

وقایع افغانستان از سال 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 67)

حملات انتحاری در غرب افغانستان

در همین ارتباط باید متذکر شد که بتاريخ هفدهم ماه آگست سال 2012 میلادی، یک سلسله حملات خونبار انتحاری در شهر زرنج مرکز ولایت نیمروز افغانستان صورت گرفت که موجب قتل بیشتر از سی و شش تن افراد بیگناهی گردید که همه مشغول خرید مواد مورد ضرورت غرض استقبال از ایام عید فطر بودند. گفته شد که تعداد زخمی ها بالغ بر یکصد نفر میشد. منبع ریاست امنیت عمومی افغانستان رسماً اعلام نمود که افراد انتحاری بنام های ملاستار، عبدالله و عبدالغفور براهوی، احمد رودینی و عابد جهان دیده، ایرانی الاصل بودند. همین منبع اظهار داشت که " افراد بازداشت شده اعتراف کرده اند که شش ماه قبل به وسیله ملا ستار اهل زاهدان ایران جذب شده و بعد از فرا گرفتن تعلیمات نظامی در ایران، به دستور ملاستار برای فرا گرفتن هرچه بیشتر تعلیمات تروریستی به پاکستان اعزام شده و بعد از آن برای انجام حملات تروریستی به ولایت نیمروز افغانستان آمده اند..."

این حملات خونین در شب و روزی انجام پذیرفت که رسانه های افغانی و برخی از وکلای پارلمان هشدار داده بودند که برخی از اتباع ایرانی و پاکستانی درصدد حصول تذکره و پاسپورت افغانی هستند. همچنان، سر و صدا های دیگری نیز در سطح مطبوعات کشور مبنی بر فعالیتهای استخباراتی تعدادی از کارمندان دولتی و حلقات دیگر افغانی به نفع کشورهای خارجی، بخصوص به نفع دو کشور همسایه (ایران و پاکستان) به راه افتاده بود. چنانکه " خامه پرس " در اخیر ماه جون 2014م از قول منابع حکومتی افغانستان نوشت که : " یک

تبعه ایرانی که به قصد جاسوسی وارد ولایت هرات شده بود از سوی محکمه ابتدایی به بیش از پنج سال محکوم شد... متهم به انگیزه جاسوسی وارد ولایت هرات شده و ظاهراً در یکی از قرارگاه های نظامی در مربوطات ولسوالی شیندند بحیث آشپز کار میکرد...

درد انگیز تر این بود که حامد کرزی رییس جمهور افغانستان، علی رغم ابراز احساسات مردم، اعتراض های پیهم بعضی از اعضای پارلمان، رسانه ها و قشر روشنفکر کشور علیه دخالت ها و تجاوزهای مسلحانه، بخصوص موشک باران خاک افغانستان از طرف دو همسایه شرقی - غربی افغانستان، در برابر خبرنگاران گفت : " رسانه ها باید در دامن زدن احساسات مردم محتاط باشند و کاری نکنند که خدای ناخواسته اوضاع وخیم تر شود. "

یعنی، اگر همسایه های افغانستان هر قدر موشک و گلوله توپ و تانک بالای خانه و کاشانه مردم بیگانه افغانستان شلیک میکنند و حاکمیت ملی جانب افغانستان را زیر سؤال میبرند، باید سکوت اختیار شود و اقدام و اعتراضی صورت نگیرد.

به سلسله مداخلات چند جانبه در امور داخلی افغانستان، نشریه الکترونیکی (افغان- جرمن آنلاین) به روز سوم ماه آگست 2012م از قول " رادیو آزادی" نوشت که : " ... یک عضو شورای رهبری طالبان در ماه می امسال دفتری را در شهر زاهدان ایران افتتاح کرده است ... زاهدان در امتداد سرحد میان سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان موقعیت دارد و از شهر کویته ی پاکستان که شورای رهبری طالبان در آنجا مستقر است، ساده ترین راه ترانزیت به شمار میرود..."

نشریه مذکور ضمناً از قول " وال ستریت ژورنال" می افزود که " هدف اساسی گشایش دفتر برای طالبان این است که ایران بتواند تلاش های خود را با طالبان علیه امریکایی ها هماهنگ سازد..."

روزنامه روسی (نیزاویسمایاگازتا) نیز در یکی از شماره های خویش نوشت که " ایران از ترس حمله به تأسیسات اتمی خود، با طالبان علیه امریکا متحد شده است .. ایران و طالبان خود را آماده میکنند که در صورت حمله اسرائیل یا امریکا به تأسیسات اتمی ایران، به عملیات انتقامی مشترک دست بزنند"

همین روزنامه روسی علاوه نمود که : " در آغاز ماه جون امسال گزارش شد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با هدف تحویل { تحویلدهی } موشکهای زمین به هوا، مذاکراتی را با طالبان آغاز کرده است ... "

روزنامه در اخیر تذکر داد که " در سال 2007 میلادی نیروهای امریکا و بریتانیا در افغانستان مدعی شدند که تعدادی از "موشکهای اچ.ان-5" چینی که در اختیار طالبان بوده به دست آنها افتاده است . طالبان میتوانند با این موشکها، هلیکوپترها، هواپیمای بدون سرنشین و هواپیما های جنگی امریکا را که در ارتفاع کم پرواز میکنند، هدف قرار دهند .

خبرگزاری " بی بی سی " بتاريخ ششم ماه جون سال 2007 میلادی خویش از قول مقام های محلی ولایت هرات افشا نمود که : " پولیس مرزی هرات، از کشف مین های ساخت ایران در منطقه مرزی مشترک با این کشور خبر داده اند... فرمانده پولیس مرزی هرات، پنج حلقه مین را به خبر نگاران نشان دادند. "

همچنان، والی ولایت نیمروز و مسوولین امنیتی آن ولایت با صراحت کامل میگفتند که ده ها موشک از سوی ایران بالای قلمرو افغانستان شلیک شده و رسانه ها نیز آن اظهارات و گزارشات را به نشر میرسانیدند، ولی با آنهم رییس جمهور میگفت که "به گفته ها و نوشته های رسانه ها باور نکنید"

خبرگزاری "بی بی سی" بتاريخ سیزدهم ماه اکتوبر 2011 م خویش از قول منابع امنیتی افغانستان اطلاع داد که " موشک پرانی از داخل ایران به سوی مناطق مرزی ولایت نیمروز از روز چهارشنبه آغاز شد و تا بامداد پنجشنبه نیز ادامه داشت ... "

بقول بی بی سی، فرمانده پولیس ولایت نیمروز (جبار پُردلی) گفت که : " هدف راکت های پرتاب شده عمدتاً مناطق موسوم به " گذر عبدالرحمان و خواجه عبدالرحمان " در حاشیه غربی ولایت نیمروز است ... یک پسر سیزده ساله در اثر این حملات زخمی و به یک بیمارستان منتقل شده است ... در این اواخر، آنها {ایرانی ها} میخواهند تأسیسات نظامی خود را مانند اعمار برج ها در این ساحه

آغاز کنند و پولیس ملی ما بر اساس وظیفه ای که دارد مجبور است از تمامیت ارضی دفاع کند و متأسفانه در گیری ها صورت گرفته است."

گزارش دیگری که بتاريخ دوازدهم ماه اکتوبر 2011 میلادی از سوی مقام های امریکایی انتشار یافت، در آن گفته شد که " طرح نیروی قدس سپاه پاسداران ایرانی برای ترور عادل الجبیر، سفیر عربستان سعودی در واشنگتن را خنثی کرده اند"

مقام های مذکور علاوه نمودند که هدف این طرح، به قتل رسا نیدن سفیر عربستان سعودی در واشنگتن بوده است. در عین حال، دولت امریکا، ایران را بزرگترین حامی تروریسم در جهان خواند. به سلسله جفا ها و چشم سفیدی های دو کشور همسایه (ایران و پاکستان) در مورد افغانستان، جالبتر از همه این بود که جنرال " اشفاق پرویز کیانی" رییس ستاد مشترک ارتش پاکستان و در واقع، اصل قدرت نظامی و استخباراتی آن کشور، در ماه اکتوبر 2011م با آقای " مارک گروسمن" نماینده خاص امریکا در امور افغانستان و پاکستان ملاقات بعمل آورد و با دیده درایی خاص خودش اظهار داشت که: " حملات شورشیان از جانب خاک افغانستان بر این کشور صورت میگیرد. " این اظهارات، همانقدر که برای مردم افغانستان خنده آور بود، بهمان اندازه، تعجب نماینده خاص امریکا را نیز برانگیخت. منابع (بی بی سی) با صراحت اعلام داشتند که " جنگجویان، برای رفتن به سوی مرز افغانستان، از خود رو های نظامی پاکستان استفاده میکنند تا هدف هوا پیمای های بدون سر نشین امریکایی قرار نگیرند. . . این پیکار جویان عمدتاً پاکستانی هستند و در منطقه به آنها " طالبان پنجابی" میگویند. "

سیاست پیچیده و دو پهلوئی چین در قبال افغانستان

هرگاه یک لحظه از بحث روی جفاها، ریاها، دخالت ها و منافقت های دوامدار جانب پاکستان در حق ملت جنگزده افغانستان بگذریم، جا دارد از سیاست دو پهلو و پیچیده حکومت چین نیز در قبال اوضاع متشنج منطقه و موضع تروریست پرورانه مقام های پاکستانی تذکری بعمل بیاوریم: چین که هم مرز با پاکستان بوده و رابطه غیردوستانه یی با هند داشته

است، از سالها بدینسو، علی رغم نزدیکی های استراتژیک پاکستان با ایالات متحده و انگلیس (بعنوان رقبای جهانی چین)، رابطه صمیمانه و حمایتگرانه پی با این کشور برقرار کرده است. سلسله حمایت های چین از پاکستان، شامل تسهیلات بازرگانی، مساعدتهای نظامی، همکاریهای علمی و تخنیکی و پشتیبانی دیپلماتیک در عرصه بین المللی و غیره میشود. در عین حال، ایالت سینکیانگ چین که در نواحی مرزی افغانستان و پاکستان واقع شده و مسلمان نشین میباشد، در قبال سیاست های جهنده و ژئواستراتژیک ایالات متحده بعنوان یگانه ابر قدرت جهان، زیان پذیر مینماید. زیرا، موجودیت احزاب بنیاد گرای نوع تروریستی در آسیای میانه مانند " حزب التحریر " از پاکستان، " نهضت اسلامی " تاجکستان، احزاب و تنظیم های جهادی و انتحاری پاکستان، گروه تروریستی طالبان و شاخه های سازمان " القاعده" و غیره که غالباً بمثابه ابزار سیاست های جهانی امریکا عمل میکنند، در تلاش آن خواهند بود تا در میان مسلمانان ساکن در ایالت سینکیانگ و طایفه اقلیت " ایغور " نفوذ نموده و آنها را علیه حکومت مرکزی چین غرض تجزیه آن کشور بشورانند. بهمین دلیل است که حکومت چین نه تنها از این ناحیه سخت نگران است، بلکه جریانهای سیاسی - نظامی - استخباراتی منطقه را شدیداً تحت نظر دارد. از سوی دیگر، وقتی ایالات متحده امریکا تعلیق پرداخت هشتصد میلیون دلار کمک برای پاکستان را بخاطر تروریست پروری های آن کشور اعلام نمود، مقام های چین ابراز داشتند که این خلا را برای پاکستان پُر خواهند کرد. این موضعگیری، اگر از یکطرف بمثابه واکنش سیاسی در برابر تصمیم امریکا تلقی میشود، از سوی دیگر، معنی گذشت و تغافل در قبال پایگاه های تروریستی در خاک پاکستان و حمایت های مقام های آن کشور از تروریسم را تداعی میکند، چنانکه خبرگزاری چین، در آستانه یازدهمین سالگرد حادثه نیویارک، مطالبی را بدین گونه بیرون داد: " تروریسم ابزار سیاسی در خدمت منافع غرب و اهداف امریکا ست ... امریکا برخورد دوگانه ای با موضوع مبارزه با تروریسم دارد. این سیاست امریکا باعث شده تا این کشور به همین بهانه به کشورهای دیگر یورش ببرد. . . و اشنگتن با این جنگها، جان هزاران انسان بی گناه را گرفت و ملیونها نفر را بی خانمان کرد... امریکا با حملات گستاخانه هوا پیمای خود به مرز های داخلی پاکستان نیز باعث مرگ

بسیاری از غیر نظامیان شده و تنش های داخلی در پاکستان را تشدید کرده است . . . امریکا چشمان خود را بر روی تهدید ها و خسارتی که بسیاری از افراطیون و تروریستها در روسیه و چین ایجاد کرده اند، بسته است، اما به بهانه القاعده و گروه های دیگر، به افغانستان و عراق حمله کرد . . . "

باساس همین نگرانی ها بود که مقام های چین نیز میخواستند در مورد آینده افغانستان و انکشافات منطقه پس از سال 2014 میلادی، با برخی از کشورهای منطقه رایزنی نمایند. چنانکه موازی با اقدامات سیاسی و امنیتی روسیه، دولت چین هم دست به یک سلسله اقدامات پیشگیرانه یازید. مثلاً، نماینده آن کشور همراه با نماینده هایی از روسیه و پاکستان، برای دومین بار بتاريخ بیست و دوم ماه نوامبر 2013م در اسلام آباد پایتخت پاکستان دیدار و گفت و گوی سه جانبه را براه انداخته تحولات افغانستان را مورد بررسی قرار داد و چگونه گی وضعیت این کشور پس از خروج نیرو های خارجی را به بررسی گرفتند. نخستین نشست سه جانبه کشورهای متذکره، قبلاً در ماه اپریل 2013م در پیکنگ پایتخت چین صورت گرفته بود.

در اینجا، علی رغم جریانهایی را که در بالا خواندید، نوسان سیاسی مقام های چین و شیوه های دوگانه دیپلماتیک آن کشور در قبال تروریسم، بخصوص، در برابر پرورشگاه اصلی این سرطان خبیثه (پاکستان) نیز آشکار میگردد. یعنی، ابطال ادعا ها و اعلامیه های متعدد رسمی مبنی بر " مبارزه مشترک منطقه یی علیه تروریسم" به ثبوت میرسد. در غیر آن، لازم و ضرور بود دولت چین با آگاهی کاملی که از سیاست ها و برنامه های تروریستی همسایه جنوبی خویش (پاکستان) دارد، حکومت آن کشور را نیز با ذرایع مختلف تحت فشار قرار میداد که هرگز نداد.

در اوایل ماه سپتمبر 2011م گزارش داده شد که طالبان پاکستانی، به تعداد سی تن از کودکان بین سنین دوازده تا پانزده سال را ربوده اند. منابع مطلع گفتند که این کودک ربایی توسط گروه طالبان بخاطر آن صورت می گیرد که آنان میخواهند از وجود کودکان در عملیات

انتحاری علیه نیروهای خارجی و افغانی استفاده نمایند. ولی سخنگوی این گروه ادعا نمود که آنان به این منظور کودکان و نوجوانان را ربوده اند تا خانواده های شان از حمایت ارتش پاکستان و خصومت ورزی با طالبان صرف نظر نمایند.

همچنان، در اواخر ماه آگست 2011م، منابع مطلع گزارش دادند که مرد درجه دوم سازمان تروریستی القاعده بنام (عطیه عبدالرحمن) در مناطق قبایلی پاکستان، توسط شلیک طیاره بدون پیلوت امریکایی به قتل رسید. گفته شد که این، دومین فرد مهم القاعده پس از مرگ بن لادن است که در خاک پاکستان به قتل میرسند. (قبل از عطیه، فرد دیگری بنام الیاس کشمیری نیز با عین شیوه کشته شده بود.) هرچند مقام های امریکایی ادعا کردند که مخفیگاه عطیه عبدالرحمن توسط افراد اطلاعاتی آن کشور رده یابی شده بود، ولی برخی ها اظهار داشتند که چون مقام های پاکستانی از طرف امریکا و متحدان آن، نسبت کم کاری و یا عدم تمایل به دستگیری رهبران القاعده تحت فشار شدید قرار گرفته بودند، بنابراین، احتمال دارد، برای آنکه فشار را از شانیه های شان کمتر سازند، با نیرو های اطلاعاتی امریکاهمکاری کرده باشند.

این نکته نیز گفتنی است که از سال 2001م تا حال، کلیه عناصر تروریست، در خاک پاکستان کشته یا دستگیر شده اند. این واقعیت بخوبی میرساند که مهد اصلی تروریسم، خاک پاکستان و مؤلّد اصلی تروریستها، مقام های حکومتی و مدارس مذهبی آنکشور میباشد. چنانکه منابع خبری بتاریخ سیزدهم ماه سپتمبر 2011م افشا نمودند که " سه مرد پاکستانی به اتهام پلانگذاری قاچاق یک دهشت افگن پاکستانی به داخل امریکا اعتراف نمودند. .. عرفان الحق، قسیم علی و زاهد یوسف که شبکه قاچاق انسان را در کویتوی اکوادور رهبری مینمودند، آماده بودند مردی را که آنها فکر میکردند عضو تحریک طالبان و یا طالبان پاکستان باشد، داخل امریکا سازند. "

باید متذکر شد که تنها امریکایی ها در مورد موجودیت پایگاه های امن تروریسم در خاک پاکستان، در ظاهر دچار نگرانی نبود، بلکه کشورهای منطقه مانند چین و هندوستان نیز از

این ناحیه نه تنها جداً نگران بوده وهستند، بلکه وقتاً فوقت متضرر هم شده اند. مثلاً، علاوه از هندوستان که مورد حملات تروریستی متعدد قرار گرفته است، مقام های چینیایی نیز بصورت آشکار اظهار داشته اند که " عاملان {انفجار هادرسین کیانگ}، در اردوگاه های جنبش ترکستان شرقی در مناطق قبایلی پاکستان آموزش دیده اند. " وقتی مقام های چینی یکی از عاملان انفجارهای تروریستی درسین کیانگ را دستگیر نمودند و او بصورت شفاف اعتراف کرد که در خاک پاکستان آموزش تروریستی دیده است، جانب چین به واقعیت هایی در قبال دوست دیرینه اش (پاکستان) پی بُرد .

مقام های چین به این اظهارات اکتفا نکردند، بلکه حتا از پاکستان خواستند تا به استقرار سربازان چینیایی غرض مبارزه علیه تروریستهای " ایغوری " مربوط به جنبش جدایی طلب ترکستان در نواحی قبیلہ یی پشتون نشین موافقت نمایند. این درحالیست که مقام های نظامی و استخباراتی پاکستان حتا در حق کشور چین نیز که هم مرز و هم درد پاکستانی ها میباشد، از غدر و جفا کار گرفته سلاح و تروریست های دست پرورده شان را به منظور به راه اندازی شورشها و تخریبهای جدایی طلبانه در میان " ایغوری " ها فرستاده اند. همانطور که به دستور " ولیام کیسی " رییس وقت سی.آی.ای، افراد تروریست، سلاح و مواد تخریبی را به تاجیکستان در آنسوی دریای آمو علیه منافع شوروی دیروز فرستادند.

(ادامه دارد)